

بیانیه مجاهدین خلق ایران درباره رفتارندوم

و

انتظارات مرحله ای از جمهوری اسلامی

کتابخانه

اسناد شهید مرتضی مطهری

مرکزی

۱-۹



سازمان مجاهدین خلق ایران

عنه الله

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

بیانیه مجاهدین خلق ایران

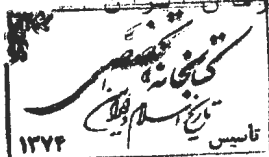
درباره

رفتار

و

انتظارات مرحله‌ای از جمهوری اسلامی

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران



مقدمه :

میهن ما اکنون در یکی از حساسترین مقاطع تاریخی خود قرار دارد ، درحالیکه میانی ورمنه‌های عینی اقتصادی و اجتماعی برای یک انقلاب پیروزمندرهائی بخش ازهرحیث فراهم شده است ، متأسفانه ماهنوز ازشرایط ذهنی مکفسی برای پیروزی انقلاب ضدامیرالیستی ، که نهایتاً دریسک سازمان انقلابی مردمی ، باتوان نشکیلاتی متناسب درسطح کل کشور ، تحسم مییابد ، برخوردارنیستیم .

شدت سرکوب و خفقان پس از کودتای خیانت بار ۲۸ مرداد و بویژه پس از اصلاحات ارضی امیرالیستی سال ۴۱ عامل اصلی چنین کمودی است . کمودی که در صورت جبران نشدن ، بی تردید باعث آن خواهد شد که شکستهای گذشته مادرانقلاب مشروطه و در دوران دکتر مصدق فقیه ، مجدداً بنحودیگری تکرار شود . شکستهای تلخ و خوببار که بار دیگر در اشکال خاص خود ، به استقرار دوباره سلطه استعمارگران بر این میهن و اسارت تمام مردم آن منتهی میگردد . آنگاه دستاوردهای بسیار گرانقدری راهم که طی مرحله مبارزه ضد دیکتاتوری تحت رهبری فاطع حضرت آیت الله خمینی حاصل کرده ایم ، تدریجاً از ماباز خواهند ستاند .

بنابراین پیروزی انقلاب ما از این پس در گرو نقش خطیر رهبری و مواضعی است که عناصر آگاه و مسئول واحزاب و جمعیت‌های سیاسی اتخاذ میکنند .

اگر این نقش‌ها و مواضع بطور اصولی و درست در صراط مستقیم و منطبق با مقتضیات اجتماعی و سیاسی مرحله‌ای برگزیده و اجرا گردند شکی نیست که به مصداق آیه :

" قدمگروا مکرهم وعندالله مکرهم وانگان مکرهم لتزول منه الجبال ... " (۱)

هر مکر و توطئه امپریالیستی نقش بر آب شده و حاصل سوء همه فتنه‌ها و توطئه‌ها بخود آنها باز خواهد گشت چرا که بقول قرآن " لایحیق المکر السیی الا باهلها " مکر و توطئه زشت جز در مورد اهل و خود برانگیزانندگان آن محقق نمیشود .

باین ترتیب بارفع گام به گام نقایص سازمانی — سیاسی جنبش (که تاکنون بعلت سرعت تحول اوضاع و پیروزیهای برق‌آسای آن کل جنبش، فرصت جیرانش را نیافته است) میهن ستمزده مافقرین آزادی ، آبادی و صلح و سلام خواهد شد و به مصداق مضمون آیه ————— :

۱- هر چه مکر و توطئه و فتنه‌گری کنند ، مکرشان در نزد خدا آشکار و در کادرفانونمندیهای اوست ، ولو اینکه از مکر و تکنیک آنها کوه‌هاییز بجنبند زایل شوند .

الذین یصلون ما المراللهبه ان یوصل

مردم ما به حقوق تاریخی خود نائل شده و با جمیع کفایت‌های سیاسی، اجتماعی و عقیدتی خود پیوند می‌خورند.

در غیر این صورت نقشه‌های امپریالیستی یکی پس از دیگری پیاده شده و انقلاب مادستخوش نسیان و افسول خواهد گردید. همان داستان تکراری همه انقلابات شکست خورده معاصر که بر استی یادآوری آن پشت هر فرد مسئول رامیلرزاند. اگرچه اشکال پیاده شدن این توطئه‌ها متنوع است اما مضمون و جوهر آنها همیشه یکی بوده است.

ابتدا با علم کردن مسائل فرعی و حاشیه‌ای و دست‌گذاشتن بر نقاط اختلاف نیروهای مختلف مبارزه را به کانال‌های فرعی کشانده و از مسیر اصلی منحرف می‌کنند. به اینگونه وحدت اصولی مردم در مسیر واحد مبارزه ضد امپریالیستی با به فراموشی سپردن قاعده "الاهم فالاهم" که همان اصلی و فرعی کردن مسائل و مشکلات باشد، خدشه دار می‌شود، آنگاه نیروهای مختلف را بجان هم انداخته و در این میان ثابت‌نویسند بلکه دار کردن انقلابیون راستین، همان فرزندان سازش‌ناپذیر خلق، آنها را قلع و قمع می‌کنند. آنگاه وقتی نیروهای مردم شقه شده و زمینه از جهت

سیاسی فراهم گردید ، ضدانقلاب بان نیروی نظامی مجددا سازمان یافته‌اش وارد معرکه شده و ضربه نهائی را فرود می‌آورد و کنترل اوضاع را بدست می‌آورد ، بهانه‌های این اقدامات نیز بطور جهانی از پیش استاندارد شده است و معمولاً زیر سرپوش "دفاع از دین و مذهب" یا "ترس از سلطه کمونیسم و شوروی" یا "نگرانی از تجزیه طلبی" و... امثالهم صورت می‌گیرد بنا براین بمنظور ادامه انقلاب ناقله راستین پیروزی وبه منظور باطل کردن هر گونه سحر و افسون امپریالیستی و ارتجاعی ، مقدم بر همه چیز بایستی یک برنامه مرحله‌ای که مورد توافق عموم نیروهای مردمی باشد ارائه داد و آنگاه در مسیر اجرای آن تمام افشار خلق را بسیج نمود .

هدف این برنامه باز کردن گره اصلی مشکلات و مسائل مرحله‌ای و تأمین وحدت هر چه بیشتر تمام مردم طی ایمن مرحله است کما اینکه دیدیم تا وقتی شاه در ایران حکومت میکرد ، از آنجاکه در نخستین قدم گره اصلی کلاف تمام مشکلات ایران بود و از آنجاکه به همت حضرت آیت الله خمینی دقیقاً و بطور سازش ناپذیری روی همین نقطه اصلی انگشت گذاشته شده بود وحدت صفوف تمام مردم بنحوی چشمگیری تجلی داشت و اختلافات فرعی موقتا هم که شده فراموش شده بود .

اکنون نیز تنها و تنها ، با حرکت در مسیر چنان برنامه

مردمی که امحاء امیریالیسم به منزله عامل اصلی دردها و مشکلات وگره‌های فعلی جامعه ماحورومضمون آن باشند میتوان وحدت قبلی را باسازی واحیاءوتقویت نمودودر عمق دل وجان تک تک نیروها وافراد مبارز رسوخ داد .

از این رومجاهدین خلق ایران بدینوسیله برنامه مرحله‌ای خود را تقدیم میکنند ، به امید اینکه از جانب نیروهای مردمی اسلامی وبخصوص علماء واساتیدوارسته ودولت حاصر مورد مذاق‌ه وحمايت قرار گرفتـــه ودر چارچوب جمهوری اسلامی معمول واحرا گردد . باشدکه برآورده شدن این اهداف مرحله‌ای راه را برای حرکت هرچه معقولتروسریعتربجانب استقرار نظام اجتماعی توحیدی و حکومت عاری از طبقات وتبہی از استعمار (قسط) در مراحل بعدی هموار کند . لیکن قبل از ورود به برنامه حدائقـــل و انتظارات مرحله‌ای ما از جمهوری اسلامی وپرداختن بمحتوای سیاسی اجتماعی واقتمادی جمهوری که چنانکه مطلوب مرحله کونی انقلاب ماست ، ابتدا بایستی به نحوه استقرار ایمن جمهوری وشکل ایجاد آن بپردازیم .

نظر مجاهدین خلق ایران درباره :

رفراندوم ونحوه استقرار جمهوری اسلامی .

باتوجه به واقعیات سیاسی واجتماعی کنونی جامعه ایران ، جای تردید نمیماند که برقراری جمهوری اسلامی خواست اکثریت قاطع مردم ما ولذا موفقیت آن در رفراندوم پیش بینی شده از جانب دولت از پیش محرز ولذا ضدیت با آن جز نشان سکناریسم نخواهد بود . استقرار جمهوری اسلامی قطع نظر از هر پیشوند و پسوندی که توضیحاً بر آن متصور شده باشد طبعاً برای مجاهدین خلق ایران بعنوان سازمانی که از آغاز حامل یک رسالت مکتبی بوده است بخودی خود یک کمال مطلوب است مشروط بر اینکه آنچه بنام اسلام ارائه میکنیم حقیقتاً اسلامی وبدور از هر شائبه‌ی شرک آمیز استبدادی و استعماری واستثمار ی باشد . اسلامی پاک مردمی ومبصری از جعلیات زنگارها و رسوبات طبقاتی قرون واعصار . والابدیهی است که وجدانهای آگاه وانقلابی مسلمانان هرگز سوء استفاده ارتجاعی از نام اسلام راروا نخواهد داشت . چراکه امروز تمام جهانیان چشم انتظار تجربه‌ای هستند که در این مهین بنام اسلام صورت میپذیرد .

تجربهای که بلاشک پیروزی آن ، پیروزی اسلام و

شکستش نیز فتوری در روند جهانی رشد اسلام خواهد بود .
بنابراین طبیعی است که وجدانهای آگاه و انقلابی مسلمان
هرگز سوء استفاده ارتجاعی از نام اسلام را روا نخواهد داشت .
بهمین دلیل قبل از مشخص کردن انتظارات مرحله‌ای
که از جمهوری اسلامی بلحاظ محتوا و مضمون آن داریم ناگزیر
به شکل استقرار آن میپردازیم .

۱- از آنجاکه خلق قهرمان ایران صرفاً در مسیر یک
مبارزه خونبار تاریخی که با شرکت عموم اقشار و طبقات مردم
صورت گرفت موفق به واژگون کردن رژیم سلطنتی وابسته
به امپریالیزم شده است و از آنجاکه رای اعتماد اکثریت
قاطع مردم ایران ضمن راهپیمائی‌های متعدد چندین ملیونی
منفی بر ریشه کن کردن نظام منفور سلطنتی و نایب‌نظام
جمهوری بارها و بارها در تائید از حضرت آیت الله خمینی
صراحتاً اعلام شده و از آنجاکه به لحاظ حقوقی نیز خاستگاه
هر قانونی اراده مردم است که اراده خدائیز سرانجام و بطور
تاریخی از همین طریق بیان میشود ، و از آنجاکه به اتکاء
همین اراده رای اعتماد مردم ایران ، دولت مهندس بازرگان
معرفی و در سطح بین المللی نیز واجد مسئولیتهای سیاسی
و حقوقی خود شده است و از آنجاکه این دولت بوسیله اکثریت
دولتهای دیگر جهان و حتی حامیان و اربابان همان شاه
سابق برسمیت شناخته شده و از آنجاکه

لذا دیگر سوال مطروحه در فراندوم پیش بینی شده ،
تا آنجاکه به نظر خواهی در مورد سرنوشت رژیم سلطنتی و بود
و نبود آن مربوط میشود اساسا بيمورد و منتفی است ، مگر اینکه
خدای نا کرده در اصال آنچه تا کنون در نفی و ریشه کن کردن
نظام منور سلطنتی انجام شده تردید داشته باشیم .

این نحوه سوال بلحاظ حقوقی نیز اقدامات دولت را
در احراز صلاحیت ها و اختیارات جامع خود نیز دچار تناقضی
چشمگیر میکند و اقدامات آنرا در غباری از ابهام و تناقض فرو
میبرد ، زیرا اگر بگور سپردن لاشه سلطنت عفونت بسیار
۲۵۰۰ ساله هنوز محل سوال و تردید باشد معلوم نیست که
به چه مجوزی و در کادر چه نظامی دولت مهندس بازرگان
معرفی شده و بکار پرداخته است ؟ البته اگر قبل از روی کار
آمدن دولت مهندس بازرگان چنین سوالی میشد باز می شد
محملی برای آن ساخت ولی اکنون مثل این است که کسی اول
در راباز کند و بعد اجازه ورود بگیرد !

۲- اما مهمترین ایراد به نحوه طرح سوال مربوط میشود
اگر ما به رای اکثریت قاطع مردم ایران اعتماد داریم ، اگر
مطمئنیم که آنها به ندای آقای خمینی مبنی بر پذیرش
جمهوری اسلامی رای مثبت میدهند دیگر چه لزومی دارد
که خود را به افکار داخلی و بین المللی مستبد و انحصار طلب
معرفی کنیم ؟

مگر خود آقا بارها و بارها در پیاریس بر حقوق عموم طبقات
و نیروهای مردم دایر بر حق انتخاب و اظهار نظر آزاد همگان
تاکید نکرده‌اند؟ پس چرا باید طوری عمل شود که انعکاس
درستی نداشته و این شبهه را ایجاد کند که: ما فقط میان
رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی مخیر کرده‌اند و لا غیر! آیا
ما دوست داریم که بفرض هم که کسی با جمهوری اسلامی موافق
نباشد با دادن رای مخالف به جانب رژیم طاغوتی سلطنتی
گرویده و موافق آن قلمداد شود؟ یا اینکه معتقدیم هر که
با ما نیست ضد ما و علیه ماست؟ یا می‌خواهیم ساری
را و ادار کنیم که از ترس سلطنت به اکراه و اجبار به جمهوری
اسلامی رای بدهند؟ در این صورت جواب کسانی را که فکر
میکنند ایرادات واضح حقوقی و سیاسی و اجتماعی مربوط به
طرح رژیم منفور سلطنت در سوال فراندوم، که فوقاً از آن یاد
کردیم عمداً خاطر و ادا کردن مردم به پذیرش جمهوری
اسلامی نادیده گرفته شده چه خواهیم داد؟ بخصوص
صراحتاً اعلام میکنیم که آنچه این نحوه طرح سوال را در نظر
مجاهدین خلق ایران با توجه به تعهد مکتبی‌شان در قبال
اسلام ناپسند و نگران کننده میکند اینست که چرا باید تحت
لوایم پاکیزه و مطهر اسلام، برغم تمام حیثیت انقلابی
و مکتبی تاریخی اش در برانگیختن توده‌های مردم و دعوت
آنها به عدل و اقامه قسط طوری برخورد شود که در همین قدم

اول وحتى قبل از استقرار خود جمهوری اسلامی بوی اکراه و اجبار به مشام برسد ؟

بنابراین ، به اعتقاد ما و برحسب این قاعده روشن و صریح اسلامی که " هیچگونه انتخاب و قرارداد و عقدی که در آن احبار روا شده و از ابراز تمایل و اراده آزاد افراد و گروههای انسانی بنحوی از انحاء ممانعت شده باشند ، معتبر و اصل نیست . از دولت آقای مهندس بازرگان تقاضا میکنیم ترتیبی اتخاذ نمایند که امکان انتخاب آزاد هر شکل از حکومت برای هر فرد یا گروهی در نظرخواهی وجود داشته باشد . البته بدیهی است همچنانکه فوفا گذشت در هر صورت نظر مجاهدین خلق ایران دقیقاً مطابق نظر اکثریت قاطع مردم ایران و برحسب نقطه نظرهای ایدئولوژیکی خود متضمن رای مثبت به جمهوری اسلامی است .

انتظارات مرحله‌ای از جمهوری اسلامی
برنامه مرحله‌ای و انتظارات حداقلی که از جمهوری اسلامی
داریم

بطور کلی بر حسب نقطه نظرهای اصیل توحیدی انتظارات حد
اقل ما از جمهوری اسلامی در ریشه کن کردن همه جانبه سلطه
امپریالیست‌ها از این میهن خلاصه میشود .
عبارت دیگر صرف نظر از اشکال و فورمهای مختلف حکومتی
محتوای هر نظامی که در این مرحله بنام اسلام عرضه میشود
دقیقا بایستی خصلت ضد امپریالیستی ، ضدا رجاعی و ضد
دیکتاتوری داشته باشد . این خصلت ها که عناصر محتوایی این
جمهوری را مشخص میکنند بمثابة همان شروط لازمی هستند که
بدون حضور آنها هیچ صحبتی از اسلام راستین نمیتواند در
میان باشد . زیرا چگونه میتوان نظامی را که در آن هنوز هم
بنحوی از انحاء بقایا و آثار امپریالیسم وجود دارد ، اسلامی
نامید . آیا امپریالیست‌ها همان شیاطین مجسم بین المللی
امروز جهان نیستند ؟ بنابراین مضمون برنامه حداقل یک
سازمان مسلح به ایدئولوژی اسلام و جهان بینی توحید ، دقیقا
ملازم بانفی همه جانبه آثار سیاسی ، اقتصادی ، نظامی

و فرهنگ امپریالیزم جهانی به سردمداری آمریکا است .
همان قدرت شیطانی ، طاغوتی و کفرآمیزی که غدارتر-
بین نیروی تاراج گرتاریخ جهان را تشکیل میدهد . همان
قدرتی که همراه با سایر شرکاء تمام خلقهای زیرسلطه جهان
را در چنگال اهریمنی خود دارد .

همان قدرتی که آثارشوم جنایات آن سراسر جهان را
از الجزایر و فلسطین گرفته تا ویتنام و آمریکا لاتین فرا گرفته
است ، و برآستی کدام جنایت و دزدی و فحشاء و بدکاری و
کشتار را در سراسر جهان و از جمله در میهن خونبارمان میتوان
یافت که مستقیم یا غیر مستقیم رد پای امپریالیستهارا بنحوی
از انحاء در آن نتوان دید و این همان قدرتی است که بقول
آیه *سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ
وَالنَّسْلَ* تلاش دارد که بجای عدل و داد در زمین تباهی
و فساد بگسترده و تولید و دستاوردها و استعدادات و مهمتراز اینها
نسل مارانیز بنا بودی یکشاند . کما اینکه در تاریخ جدید
ایران از مشروطه به این طرف امپریالیستهای پوسته حامسی
و ارباب هر جنایت و پلیدی سفاکان بوده اند . همانها که رضا
پالانی قلدرا بر ما گماشتند و برایمان ۲۸ مرداد ، ساواک ،
۱۷ شهریور ، سینمارکس و چماقدار و رورستاخیز و
به ارمغان آوردند . همانها که کاپیتولاسیون سیاسی خود را به

تمام ابعاد زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ما تعمیم دادند. از این نظر بصراحت اعلام میکنیم که هرگونه ابهام و تردید در تشخیص امپریالیزم غدار زمان مشابه مانع، بست و تضاد اصلی این مرحله از تاریخ، از جانب هر فرد و مقام و گروه ملی بی تردید در این میهن فاجعه‌ها بیار خواهد آورد و گفته علی علیه السلام: **وَإِيْمُ اللّٰهِ لَتَحْتَلِبْنَهَا دُمًا، وَكَلْتَبِعْنَهَا نَدْمًا**. و آنگاه است که بخدا سوگند خون خواهید دوشید و در پی آن پشیمان خواهید گشت.

اعلام میکنیم که بدون درگیری قاطع انقلابی با تمام مظاهر این قدرت شیطانی هیچ مجالی برای سعادت خلق و رضای خالق و معرفی چهره راستین اسلام و گام برداشتن بجانب توحید و یگانگی اجتماعی باقی نخواهد ماند و بقول قرآن: "تمام رشته‌ها نیز پنبه شده... و با تسلط طبقه و گروهی برتر و فزوده‌تر بر سایر طبقات... " مواجه خواهیم بود (آیه ۹۲ سوره نحل).

اعلام میکنیم که بی توجهی به این دشمن اصلی از جانب هر فرد و گروهی که باشد سرانجام جز خیانت راه نخواهد برد. و عموم افشار و طبقات خلق را مجدداً با فشارهای اهریمنی مواجه خواهد ساخت، تا آنجائیکه مجدداً به گفته علی (ع) "هیچ خانه گلی و یا خیمه پشمی نیز بدور از ستم و تهاکمی آنها نخواهد ماند."

از سوی دیگری جوئی این هدف راستین و مقدس ضد امپریالیستی که جز با اشتراک مساعی عموم طبقات خلق و بویژه توده‌های محروم و مستضعف امکان پذیر نیست، صرفاً از طریق عینیت بخشیدن به موارد زیرین امکان پذیر است. مواردی که به دردها و زخمهای عمیق پیکره اجتماعی ما حتی المقدور التیام بخشیده و راه را بر استواری مجدد سلطه دشمن مسدود میکند:

- ۱- خلع بد از سرمایه‌داری وابسته که بطور توأمان اسباب سیه‌روزی هم کارگروهم سرمایه‌دار ملی ما را فراهم کرده است. به این منظور بایستی: اولاً - بساط چپاول کلیه بانکهای استعمارگر خارجی را برچید، ثانیاً - از آنجا که سرمایه‌داری وابسته به خارجی هزاران بار بیش از بهره‌وری قانونی مالکانه خود از این کشور مردم آن برده و تاراج کرده است، کارخانجات، و مزارع وابسته بآن را تماماً با مالکیت عمومی مردم منتقل نمود و آنها را توسط شورای کارکنان اداره کرد. بششد که برویرانه‌های کانونهای اقتصادی استعماری نظمی نوین و نمونه، نظمی طراز اسلام و روبه توحید ایجاد گردد.
- ۲- اعمال حق کامل حاکمیت ملی بر جمیع منابع ملی و بویژه نفت و ابطال کلیه قراردادهای ننگین استعماری در این

رابطه .

برحسب نقطه نظرهای قرآنی این منابع در شمار "انفال" قرار گرفته و مطلقاً از حیث هر علقه مالکانه خصوصی خارج و تماماً به استناد آیه " قُلْ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ . . ." باید در راه خدا و رسول و اهتزاز پرچم رهایی بخش نقوا ، در خدمت خلق قرار گرفته و صرف اصلاح ذات‌البین یعنی تصحیح مناسبات و روابط اجتماعی و ترمیم و پرکردن انقلابی شکافهای طبقاتی و استثماری جامعه گردیده

۳- احتراز از سرمایه‌گذاری‌های کلان در صنایع فوق - العاده پیچیده و پرهزینه نفع رشد صنایع متوسط و کوچک و بویژه در حوالی روستاها بمنظور متعادل کردن بخش صنعتی و بخش کشاورزی با توجه به اولویت بخش کشاورزی که بدون رعایت آن هرگونه توسعه سالم اقتصادی و مهار کردن آیدئو- لژیژیکی متخصصین و اداره‌سالاران غیرممکن است . بدیهی است عدم رعایت تکیه فوق توسعه اقتصادی ما را سریع‌بانه سوی

یک رشد نامتناسب سرمایه‌داری با راجحیت افشار متخصص و اداری سوق خواهد داد . که نتیجتاً وابستگی مجدد به بلوک - سرمایه‌داری را در تقدیر دارد . حال اینکه باللهام از علی (ع) در خطبه ۱۵ نهج البلاغه خواستار یک توسعه عادلانه اقتصادی مبتنی بر بسیج مردمی (و نه باتکاء سرمایه‌گذاری و بانک‌های خارجی) هستیم که با تخفیف نابرابریهای طبقاتی بر دوش

مستضعفین کارگردان راه‌نهی هرگونه بهره‌کشی طبقاتی را هموار میکند. و مطابق مضمون و روح آیه ۳ سوره قصص سرانجام جایی برای " طبقه طبقه کردن جامعه " باقی نمیگذارد.

۴- بنیانگذاری ارتش مردمی : طبیعی است که توسعه عادلانه و مردمی اقتصادی که حرکت بجانب طبقات محروم را در صدر برنامه‌های خود قرار میدهد جایی برای گسترش یادکنکی ارتشهای حرفه‌ای مجهز به سلاحهای پیچیده باقی نمیگذارد زیرا اصولاً رشد یادکنکی چنین ارتشهای مجهزی یعنی همان رشد ناممکن و نامتناسب ارتش در قبال سایر نهاد های اقتصادی و اجتماعی در ارتباط مستقیم با کمبود یا فقدان حمایت مردمی از نظام حاکم است. نظامی که بدلیل حرکت نکردن بجانب مستضعفین و سلطه فن‌شناسان و ارباب اداری از حمایت مردمی برخوردار نبوده و لذا برای حفاظت از خود در مقابل حملات خارجی و داخلی جبراً بجانب ارتش مجهز و حرفه‌ای (و نه انقلابی و مردمی) حرکت میکند. ارتشی که چون پایگاه مردمی ندارد بر حسب سرشت خود در جهت استفاده از ادوات پیچیده جنگی قطعا به سمت قطبهای قدرت خارجی و وابستگی به ارتشهای امپریالیستی (چه بلحاظ تسلیحات و چه بلحاظ سازماندهی و مستشاری) میل میکند و این تمایلی است که هزینه آن معمولاً در صد بسیار زیادی از

بودجه عمومی راهم میلعد . اینجاست که با ارتشی مواجسه
میشوم که طبعاً نه در ارتباط با مردم ونه در خدمت آنها ونه
دارای خصلتها و مقاومت مردمی است . بلکه ارتشی است در
رابطه مستقیم وارگانیک با بوروکراسی حاکم ونقطه اتکاهای
خارجی . ارتشی که در درازمدت و در مجموع نمیتوان انتظار
رفتار مردمی از آن داشت . انتظاری که جز نشان ساده اندیشی
وسطحی نگری نست به ساخت وماهیت وروابط آن نیست .
تجارب تلخ ارتش شاهنشاهی مادره ۵ سال گذشته بخوبی
موید این نقطه نظرهاست ، این نقطه نظرها در سراسر تجارب
جهانی نیز تایید شده وبه اثبات رسیده اند . بنحوی که
دیدهایم محبذترین ارتشهای جهان نیز در قبال ارتشهای
مردمی از پنا در میآیند ودلیل آن نیز جز در اصالت روابط
ومناسبات ارتشهای مردمی واتکاء آنها به توده محروم نیست
بنا بر این ما خواستار پایه گذاری ارتش مردم هستیم . یعنی
ارتشی که در آن جنگیدن خاطر اعتقاد ومنافع مردم بر جنگیدن به
خاطر مزد و حرفه وامرار معاش بچربد . یا پیداکیدامتذکر گردید
که منظور از بنیانگراری ارتش مردم به هیچوجه خلع پدیسای
ایجاد تضییقات مادی ومعنوی برای برادران دلیر ارتشی
نیست بلکه ما خواستار تغییر ودگرگونی بنیادی در نظام و
ماهیت مناسبات ارتش هستیم . بنحوی که دیگر هیچگاه خود
برادران ارتشی نیز در داخل نظام ضد خلفی که تمایلات باطنی

مردمی خود آنها را محبوس کرده بود قرار نگیرند و همچنین آلت دست فرماندهان دست نشاندۀ و مجری یورشهای صدمردمی نیز نگردند .

بنابراین با اختصار کامل به تشریح ویژگیهای اساسی ارتش مردم میپردازیم :

اولا — در ارتش مردم اطاعت کورکورانه و بدون چون و چرا وجود ندارد بلکه ایدئولوژی و خط مشی صحیح و فهم مکفی سیاسی راهبرورهنمای افراد آن است .

ثانیا — ارتشی است ملی که در خدمت دفاع بوده حامی مصالح تمام ملت بر علیه تجاوز خارجی است . نه اینکه دست نشاندۀ کشورهای بیگانه و امپریالیست بوده و حلقه‌ای از زنجیر استراتژیک آنها باشد .

ثالثا — در وحدت کامل یا جامعه و بخصوص طبقات پائین جامعه بسمیرد .

رابعا — درست بهمین دلیل در مناسبات درونی خود نیز اریک روحیه وحدت گراتبعیت میکند یعنی اختلافات و حشتناک میان سرباز و افسروا میرو وجود ندارد ، غذای همه یکی است ، از حیث حقوق ، وسایر امکانات نیز اختلاف ناچیراست ، حسق انتقاد برای همگان و بخصوص پائین ترین رده‌ها محفوظ است و در انتصابت نیز مورد مشورت قرار میگیرند در عین اینکه انضباط آن نیز آهنین است .

معیار ترقی تقوا و لیاقت است نه فقط سابقه خدمت ، بدیهی است که وقتی ارتشی در درون خود چنین روابط مردمی داشته باشد بی تردید روابطش با توده‌های مردم نیز خصیصه مردمی خواهد داشت . و یادآور ارتشهای حقیقتاً اسلامی و مردمی صدر اسلام خواهد بود که صرفاً رضای خدا و خلق انگیزه سربازان و افسران آن است . مناسبات ارتشهای تحت فرماندهی پیامبر اسلام و علی علیه السلام با مردم معمولی و مناسبات درونی این ارتشها میتواند بخوبی سرمشق هر ارتش دیگری باشد که میخواهد تحت عنوان اسلام عمل کند و بگفته علی علیه السلام در فرمانش به مالک اشتر بدزیرستان مهربان بوده باشد — زورمندان سختگیری و گردن فرازی نماید .

ملاحظه میگردد که مانع تنها قصد مضمحل کردن ارتش و پرسنل آن را نداریم بلکه اکیداً و دقیقاً خواستار قوام و مردمی شدن بیش از پیش ارتش و بهروزی و رستگاری عموم برادران دلیر ارتشی هستیم .

لذا آنچه منحل کردنی است مناسبات و روابط و نظام
و سیستم ضد اسلامی و ضد خلقی ارتش شاهنشاهی است و لا غیر .
و این همان اصل راهنمای مادرارزشیابی مشروعیت هرگونه
تجدید سازمان ارتش و نیروهای مسلح کشور خواهد بود .
اصلی کسسه نه میشود از آن عقب نشست و نه در موردش
تخفیف داد .

تا دیگر هیچکس و هیچ قدرتی نتواند ایرانی را در مقابل
ایرانی قراردادده و سینه‌های خلق بی پناه را بوسیله افراد
همین میهن آماج گلوله قرار دهد
خامسا - خدمت در ارتش مردم به هیچ وجه
اجباری و از روی اکراه نیست .

سادسا - این ارتش بهیچوجه زیر نفوذ مستشاران نظامی
(با آنهمه امتیازات چشم گیرشان) قرار نداشته و بهیچوجه
مستشاران امپریالیست را به کار نمیگیرد .
سابعاً - این ارتش نه تنها در هیچ نبرد غیر عادلانه
امپریالیستی یا جنگ ضد انقلابی (نظیر ظفار) شرکت نمیکند

بلکه عنداللزوم با اغوش باز به کمک جنبش های انقلابی
(نظیر فلسطین) میشتاید .

۵- تضمین آزادی کامل مطبوعات و احزاب و اجتماعات
سیاسی با هر عقیده و مرام . به مصداق آیه : " فبشـر
عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه " " پیس
بشارت ده بندگان مرا که گفتارهای (مختلف) را شنیده و از
بهترین آن تبعیت میکنند " ، بایستی توده های مردم را
در شنیدن اقوال و عقاید مختلف و انتخاب میان آنها آزاد
گذاشت .

اعتقاد راسخ اسلامی مادر این رابطه بر این است که
ایدئولوژیها و نظرات مختلف تا آنجا که به حق و حقیقت اتکله
دارند ، بهمان درصدی که حق طلب باشند از هرگونه نگرانی
در مورد مطرح شدن و مورد بحث قرار گرفتن خود تهی هستند .
البته میان آزادی و دموکراسی انقلابی بالیبرالسم
و ولنگاری سرمایه داری مرزهای مشخصی وجود دارد که در هیچ
نظام انقلابی نادیده گرفته نمیست . اما مساله اینست که
اسلام ما بر حسب این نص صریح قرآنی که میگوید : " ولا تقف
مالیس لک به علم " " از آنچه بر آن علم و آگاهی نداری
تبعیت و پیروی مکن " ، هرگز تبعیت کورکورانه و اجباری و نا
آگاهانه مردم را مجاز نشمرده است . عملکرد تاریخی سبیلها
و رهبران واقعی اسلام و ائمه تشیع سراسر گواه برخورداری عمیق

وگسترده آنان از روح حریت و آزادمنشی انقلابی است . تا آنجاکه دردوران خود پیامبر (ص) و علی (ع) حتی یک نمونه از محدود کردن عقاید و نظرات مخالف وجود ندارد .

علی علیه السلام پیوسته تاکید مینمود که در قبال مخالفین خود هر چه دم که خصمانه برخورد کنند ، اوبه جنگ و درگیری نخواهد آغازید و نخستین کسی نخواهد بود که شمشیر میکشد . امام صادق علیه السلام ساعتی با بزرگ منشی و وفاریه بحث با مخالفین فکری و فلسفی خود مینشست و از محترم داشتن آنها هیچ فرو نمیکذاشت .

براستی هم اگر اسلام فی الواقع " برترین و بالاترین " است (*الاسلام یعلو ولا یعلی علیه*) پس از تحمل عقاید و نظرات مخالف دیگر چه باک ؟ و مگر این علی علیه السلام نبود که پیوسته مردم را بجای تحسین کارهایی که انجام داده به متذکر گردیدن " حقوقی که از ادای آنها فارغ نشده . . . " است دعوت مینمود ؟

۶- تامین کامل حقوق سیاسی و اجتماعی زنان چنانکه کاملترین شکل عادلانه و تساوی جویانه آن ، فارغ از هر محدودیت استثماری طبقاتی در اساس جهان بینایی توحید و نگرش مکتبی اسلام تصریح شده است . بدیهی است که تامین دستمزد مساوی در برابر کار مساوی (صرف نظر از

از امتیازات ویژه‌ای که خواهران کارگرایستی در حین کار از آن برخوردار باشند (از اولین و مقدماتی ترین ضوابط این نگرش مکتبی اسلامی در دفاع از حقوق خواهران زحمتکش کارگرماست .

۷- رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و تنوعات قومی و ملی و وطن‌دار کلیه استانهای کشور و تامین جمیع حقوق و آزادی‌های فرهنگی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت و یکپارچگی تجزیه ناپذیر کل کشور .

بدیهی است که پایداری وحدت این میهن دقیقاً در رابطه با احقاق حقوق حقه تمامی عناصر و بخش‌های تشکیل دهنده آن است .

این نکته‌ای است که درک آن جایی برای هیچ سوء تفاهمی مبنی بر اینکه مثلاً خودمختاری اداری داخلی هموطنان ستمزده کرد مقدمه تجزیه است باقی نمیگذارد .

اصولاً به اعتقاد ما نحوه برخورد با مساله " ملیت ها " یکی از اصلی ترین معیارهای سنجش اصالت و مشروعیت انقلابی و مردمی و توحیدی یک حکومت وحدت گرا و موحد اسلامی است . اگر چنانکه در دوران علی علیه السلام دیده میشود هیچ شائبه استثماری و برتری جوئی و ستم ملی در کنار نباشد ، اختلافات و تضادهای قومی و ملی (میان عرب و عجم یا میان ترک و کرد و امثالهم) تدریجاً حل شده و به

جانب وحدت میل خواهند نمود . حال اینکه هرگونه فقدان روحیه توحیدی و وحدت گراکه در چشم داشتهای طبقاتی تجسم مییابد مساله رالاینحل ساخته وبه سمت تعارض وقهر خواهدراند . همان چشم داشتهای استثماری که جامعه را به طبقات متخاصم و ناسازگار تقسیم میکند .

در همین جا باید توجه میرم مردم قهرمانان در کردستان و بویژه توجه مبارزان و روشنفکران دلیران سامان را چنانکه خود نیز میدانند مجددا به این نکته حیاتی جلب نمود که بایستی در مسیر مبارزات عادلانه خود یکدم از پیوند ریشه های میان ناسیونالیسم انقلابی و ترقی خواه کُرد با ناسیونالیسم کل خلق قهرمان ایران غفلت نورزند . پیوندی که در این مرحله تنها در چارچوب مبارزه ملی ضد امپریالیستی تمام مردم ایران قابل حصول بوده و خواهد بود . در غیر این صورت چنانکه امپریالیستها و دشمنان انقلاب ایران می خواهند و همانطور که متاسفانه در برخی نقاط جهان به تلخی (والیته به تحریک امپریالیستها و مرتجعین) تجربه شده است ، ناسیونالیسم کُرد در مقابل ورود رروی مبارزات ملی ضد امپریالیستی کل ایران قرار گرفته و طبعاً دارای مضمونی ارتجاعی خواهد گردید و خدای ناکرده حوادث شوم دوران ملا مصطفی مرتجع و خائن به خلق کُرد مجدداً فرصت بروز پیدا خواهد کرد بنابراین مبارزان اصیل کُرد بنا به وظیفه ملی

و میهنی شان چنانکه تاکنون نیز کرده اند ، در صدد
خواستهای حقه خود بایستی بر محکوم کردن تجزیه طلبی
تاکید کنند . واضح است که امپریالیستها اکنون در جهت
پیشبرد مقاصد ضد انقلابی و ضد خلقی خود در مورد تمام ایران
از هرگونه نغمه تجزیه طلبانه با تمام قوا و امکانات استقبال کرده
و ضمناً بهترین بهانه را برای حفظ و تقویت بقای این
نهادهای نظامی و سیاسی رژیم پیشین بدست خواهند آورد .
۸- استقلال کامل دانشگاهها و مدارس عالی و اداره آنها
تحت نظر شورای دانشگاه با مشاورت دانشجویان و کارمندان .
۹- لغو کلیه مقررات ضد کارگری و تدوین قانون جدید
کار با نظر خود کارگران .

- تامین مسکن برای تمام کارگران .

- سپردن اداره بانک رفاه کارگران و سایر صندوقها و

بانکهای کارگری به خودایشان .

- لغو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات بیمه و امثالهم

از دست مزد کارگران و تامین هزینههای ضروری نظیر بیمه

و بازنگستگی توسط خود دولت از محل درآمد نفت .

- اداره امور کارخانه توسط شورای کارکنان مرکب از

نمایندگان شورای کارگران و کارمندان و نماینده کارفرما .

- لغو کلیه مطالبات مالی رژیم پیشین و ایجاد آن

از کارگران محروم در کلیه زمینهها .

- تهیه شیرخوارگاه و کودکستان برای کودکان کارگران .
- رسمی کردن کارگران پیمانی .
- افزایش تصاعدی حق السهم کارگران از سود کارخانجات به نسبت افزایش سودکل .
- ۱۵- دهقانان محروم ایران نیز به هیچ مرجع دولتی بدهکاری ندارند .
- عین زمین هایی که توسط نهادهای رژیم سلطنتی از دهقانان محروم غصب شده باید بازگردانده شود و اگر لحاظ فنی با اشکال مواجه بود معادل آن از املاک بیپهلوی به دهقانان مزبور تعلق گیرد .
- تامین حداقل تکنولوژی و وامهای بدون بهره کشاورزی برای دهقانان نیازمند .
- هیچ پولی از دهقانان ایرانی بابت مالیات امور زراعی نباید اخذ شود .
- تمام تحمیلات رژیم شاه به دهقانان که باعث اسهدام کشاورزی ملی ایران شده بود باید جبران گردد .
- تشویق و فراهم نمودن شرایط لازم جهت تشکیل تعاونیهای خلفی و تقویت روحیه جمعی و شورائی در کشاورزان .
- قطع هرگونه دخالت و واردات خارجی در امر کشاورزی و دام داری ملی مگر بمنظور تامین کسرتولید داخلی .
- تامین مسکن برای روستائیان از طریق ایجاد

شهرکهای مناسب با خدمات ضروری بمنظور ممانعت هر چه بیشتر از مهاجرت بد شهرها .

۱۱- قطع هرگونه تحمیل دولتی و شهرداریها به بازاریان و اصناف و کمکه احیاء بازار و صنایع ملی .

- بدون تصویب شورای بازار و اتحادیه های صنفی هیچیک از اصناف و کسبه جزء رانایید و اداره پرداخت وجه یا انجام کاری برخلاف میلشان نمود .

۱۲- تأمین کامل معیشت ، مسکن و تحصیلات کارمندان جزء دولتی و دوا بر خصوصی و خانواده آنها بخصوص آموزگاران و دبیران و لغو تمام دیون آنان به مراجع دولتی و بانکهای استعماری .

۱۳- تحریم سیاسی و اقتصادی دولت های نژاد پرست اسرائیل ، رودزیا و افریقای جنوبی .

-- بد مصداق حدیث نبوی : من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین ولم یجبه فلیس بمسلم : کسی که مردی را بشنود که ندانمیدهدای مسلمانان (و کمک میخوهد) چنانچه به او کمک نکند مسلمان نیست .

کمک به جنبشهای آزادیبخش سراسر جهان و موضعگیری قاطع سیاسی به نفع آنها بویژه حمایت از سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین .

- جبران همه جانبه تمام ضربات و لطماتی که از ناحیه

رژیم منقورشاه به انقلاب مردم ستمزده طغاروار آمده است
تا آنجا که ممکن باشد .

۱۴- خروج از همه پیمانهای آشکار و پنهان ننگی—
استعماری چه سیاسی و چه نظامی و ورود به بلوک کشورهای غیر
متعهد .

۱۵- به مصداق این دعوت قرآنی که میگوید: فاذا
فرغت فانصب . . . پس آنگاه که (از کار و مرحله‌ای) فارغ
شدی (به قدم و پیشرفت بعدی) بکوش .

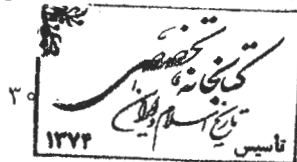
استمرار و مداومت در بسیج توده‌های مردم بمنظور
مواجهه قاطع دسته جمعی با تمام مشکلات و تنگناهای سیاسی ،
اقتصادی و نظامی احتمالی و پیشرفت و ارتقاء هر چه سریعتر
بجانب مراحل بعدی ضرورت تام دارد . این مطلب همان
مضمون وصایت مستمقرآن به " مقاومت و حق طلبی " (صبر و
حق) در سوره والعصراست .

تذکر ۱- خطوط اساسی برنامه حداقل فوق‌الذکر
از خواسته‌های هیجده ماده‌ای سازمان مجاهدین خلق ایران
در آخرین روزهای حکومت شاه ، مندرج در نشریه داخلی این
سازمان به تاریخ ۱۴/۱۰/۵۷ استخراج گردیده است . برنامه
هیجده ماده‌ای مزبور در شرایطی که فرار و سقوط شاه پیش‌بینی
میشد برای مواجهه با مراحل بعدی جنبش پیش‌بینی شده بود .

تذکر ۲ - برنامه حداقل فوق الذکر که مبین کمترین انتظارات مرحله‌ای ما از جمهوری اسلامی است بر این مبنا تهیه شده است که جامعه امروز ایران در مرحله کنونی درگیری یک نبرد رهایی بخش ضد امپریالیستی تمام خلق است که طبعاً حل مساله طبقاتی و بهره‌کشی انسان از انسان را با مراحل آتی انقلاب موکول میکند . لیکن بدیهی است که رهبری و جهنگیری انقلاب کنونی لاجرم بایستی در آن مسیر بوده و لذا مسلزم هدایتی با دیدگاههای توحیدی اجتماعی و معتقدیه ریشه کن کردن هر نوع استثمار از جامعه بشری است . هدایتی که اجتماعاً و بطور اصولی و اساسی بردوش طبقات مستضعف کارگروهان استوار میشود . بنا بر این برنامه حداقل حاضر تنها در کار در نظرگاههای بلند مدت ، به اهداف نهایی خود حاصل شده و با آنها پیوند میخورد . این مطلب ضرورت تبلیغ هر چه گسترده تر نقطه نظرهای ایدئولوژیک ضد استثماراری اسلام واقعی را (البته به نحو معقول و مناسب) از همگان نخستین روز جمهوری اسلامی مطرح میسازد . بر حسب این نقطه نظرها و از جمله بر حسب " لیس للانسان الاماسعی " (بر انسان جز حاصل کارش (روانیست) و نیز " فجناه ایدیهم لانتکون بغیر افواهم "

دست رنج آنها برای دهانهای غیرنیست (سبح البلاغه)
 بایستی اصالت کار را در برابر سرمایه و سود برای عموم
 طبقات و نیروهای مردمی و سعادت شریح نمود و با تکیه بر
 انگیزه‌های متعالی ایدئولوژی سرمایه‌دوستی و سودپرستی را
بطور داوطلبانه و فی سبیل الله در همین مرحله نیز هر چه
 محدودتر ساخت. به این امید که اختلافات و تضادهای
 طبقاتی مراحل بعدی انقلاب تا حدود بسیار زیادی بطور
 غیر متعارض و از طریق مسالمت آمیز حل شود و به وحدت
 بگردد. روابط صمیمانه همکاری و هم یاری توحیدی که حین
 مقابله با حکومت نظامی در اکثر نقاط ایران برقرار گردیده
 خوبی میتواند صحت این نظریه را گواهی کند.

تذکره ۳ - چه بسا بهتر بود که ابتدا محتوای
 جمهوری اسلامی به ترتیبی که در نخستین مرحله ضامن و شامل
 اهداف و برنامه فوق الذکر باشد مشخص گردیده و سپس
 رای مردم گذاشته میشد، در این صورت همگان بهتر
 میدانستند که به چه چیز رای مثبت و منفی میدهند. همین
 نقیصه بود که مجاهدین خلق ایران را بر آن داشت که بدین
 وسیله را سا به مشخص کردن حداقلهای جمهوری ای بپردازند
 که بآن رای مثبت خواهند داد، به این امید که در مقابل
 چنین موضع مثبت و تفاهم آمیزی شورای انقلاب
 و دولت آقای مهندس بازرگان هر چه زودتر قانون اساسی



دربرگیرنده انتظارات فوق الذکر از جمهوری اسلامی را بنظر
خواهی عموم بگذارند . لذا نظر خواهی مذکور را به حقوق
میتوان موعداظهار نظر نهائی درباره محتوای جمهوری
پیشنهاد شده دانست .

بدیهی است که ملاک و معیار خدشه ناپذیر مجاهدین
خلق ایران در همکاری با دولت حاضر و یا دولت‌های پیش از
استقرار جمهوری اسلامی ، همچنانکه قبلا نیز اعلام کرده ایم
عملکرد ضد امپریالیستی دولت‌ها و میزان انطباق آنها با برنامه
فوق الذکر است . عبارت دیگر ما مشروعیت مکتبی و انقلابی
دولتهائی را که بارای مثبت توده‌های مردم (و از جمله خود
ما) در چارچوب جمهوری اسلامی بقدرت میرسنند ،
تحت الشعاع هدف ضد امپریالیستی و مطابق با برنامه و
خواستهای اصولی فوق الذکر میسنجیم . این نیز روشن است
که برای یک سازمان مسلح به ایدئولوژی انقلابی اسلام
و معتقد به مکتب و مرام ، اصول نه سازش پذیرند و نه تخفیف
دادنی .

مجاهدین خلق ایران

۵۷/۱۲/۲۷